



## مطالعه تطبیقی نظم عمومی در تأثیر بین‌المللی حق در حقوق ایران و انگلیس در راستای ارتقاء مراودات آتی تجاری بین‌المللی

حسن جعفری

دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

حمیدرضا علی‌کرمی (مسئول مکاتبات)

دانشیار گروه حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

civil.alikarami@gmail.com

نجادعلی الماسی

استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

### چکیده

نظم عمومی مفهومی بسیار پیچیده است که با ارائه مفهوم وسیع و نادرست از آن عملاً مغایر با فلسفه تأثیر بین‌المللی حق است. در ارتباط با تأثیر بین‌المللی حق بین نظام‌های حقوقی انگلستان و ایران تفاوت‌های مهم و اساسی وجود دارد. هر چند نظم عمومی در هر دو نظام مورد مطالعه، یکی از عوامل مانع تأثیر بین‌المللی حق تلقی می‌شود و به طور کلی حق یا حکم خارجی در فرض مغایرت با نظم عمومی، در کشورهای ایران و انگلیس مورد شناسایی و اجرا نمی‌گردد؛ ولیکن در نظام حقوقی ایران با ارائه تفسیر موسع از نظم عمومی به دنبال انطباق سخت‌گیرانه با حق و حکم خارجی است. از طرف دیگر نظام حقوقی انگلستان با شناسایی دکترین اثر خفیف نظم عمومی، در پذیرش تأثیر بین‌المللی حق به نحوی است که در صدد تحقق حداکثری تأثیر بین‌المللی حق است و این نگرش موجب ارتقا مراودات آتی تجاری بین‌المللی در انگلستان شده است. در هر صورت مفهوم نظم عمومی، مفهومی سرزمینی است که رویه قضایی در تعیین مصادیق آن نقش موثری دارد.

**واژگان کلیدی:** نظم عمومی، تأثیر بین‌المللی حق، رویه قضایی، دکترین اثر خفیف بودن نظم عمومی.

### ۱. مقدمه

امروزه تأثیر بین‌المللی حق لازمه زندگی بین‌المللی است. مسأله تأثیر بین‌المللی حق، نقطه اتصال حقوق بین‌المللی خصوص و حقوق بین‌الملل عمومی است (Mills, 2018: 1). تأثیر بین‌المللی حق که منظور از آن اعمال و اجرای یک حق، در کشوری غیر از کشور محل تشکیل می‌باشد. در واقع تأثیر بین‌المللی حق یک رابطه حقوقی است که در دو زمان متوالی با دو نظام حقوقی متفاوت مواجه می‌شود و دارای چهار حالت: فقدان تعارض در مرحله ایجاد حق، وجود تعارض در مرحله ایجاد حق، تغییر عامل رابط و تغییر قلمروی اجرای قانون می‌باشد، که مهم‌ترین عوامل پیدایش آن توسعه کشورها و روابط و مبادلات بین‌المللی، اغماض قانونگذار ملی، اجرای قانون خارجی و وجود تفاوت بین قوانین می‌باشد. لازم به ذکر است که موضوعاتی که در زمینه تعارض قوانین مطرح می‌شود، گاه به شکل گیری حق و گاه به تأثیر بین‌المللی حق مربوط می‌شود و بسته به اینکه حقی در مرحله تشکیل باشد یا اثر بین‌المللی، قانون صالح ممکن است. متفاوت باش؛ زیرا در مواردی که اختلاف در مرحله تأثیر بین‌المللی حق به وجود می‌آید، دادگاه باید قانون صالح را طبق قواعد حل اختلاف دولت مربوطه تشخیص دهد و چنانچه حق برطبق آن قانون به وجود آمده باشد، باید از لحاظ بین‌المللی معتبر شناخته شود و اثرگذاری نماید، ولو اینکه ایجاد آن حق در کشوری که آثار آن مورد استناد قرار می‌گیرد، غیرممکن باشد. علت این امر آن است که «در مرحله تأثیر بین‌المللی حق مسئله‌ی اجرای حق مطرح است، نه مسئله به وجود آوردن آن.» (نصیری، ۱۴۰۰: ۷۵). لذا اگر کشوری که حق در آن نافذ است قوانین مربوط به مرحله استقرار حق را در مرحله تأثیر بین‌المللی حق اعمال کند، در اغلب موارد حیات بین‌المللی احترام به حقوق مقرر از بین می‌رود. با پذیرش نظریه عمومی تأثیر بین‌المللی حق در ایران و انگلستان، اصل بر این است که حق ایجاد شده در خارج از این دو کشور، در مرحله اثرگذاری و اجرای حق در هر دو کشور منوط به داشتن شرایط و نبودن محدودیت‌ها،

واجد اثر شناخته شده و آثار خود را بر جای می‌گذارد و صاحب حق با توجه به محتوای حق، از آن بهره مند می‌گردد. اما برخی از عوامل مانع تأثیر بین‌المللی حق می‌گردند. ممانعت از تأثیر بین‌المللی حق در واقع دو موضوع را مطرح می‌کند. اول این که این عوامل به چه صورتی این ممانعت را به عمل می‌آورند و دوم آنکه، در نهایت، وضعیت حق مورد استناد چه خواهد شد؟ به هر حال نظم عمومی به عنوان یکی از عوامل مانع تأثیر بین‌المللی حق و حکم می‌باشد. با این توضیح که شناسایی بعضی از احکام صادره از دادگاه‌های خارجی مانند احکام مربوط به وضعیت و اهلیت اشخاص به صورت یکی از واقعیات اجتناب ناپذیر زندگی بین‌المللی درآمده است و به همین جهت اکثریت کشورها با درک این ضرورت کوشیده‌اند تا از طریق تصویب قوانین و مقررات یا با ایجاد و تثبیت رویه قضایی، امکان شناسایی و اجرای حقوق مکسبه را در قلمروی خود فراهم نمایند. البته این بدان معنا نیست که کشورها خود را ملزم به شناسایی و اجرای بی‌قید و شرط احکام خارجی بدانند، بلکه هدف این است که با رعایت شرایطی، امکان اجرای احکام مربوط به حقوق مکسبه‌ی خارجی فراهم آید. امروزه برخی کشورها مثل نظام حقوقی ایران بر خلاف نظام حقوقی انگلیس با تمسک به مفهوم وسیع نظم عمومی، مانع تأثیر بین‌المللی حق و حکم شده‌اند و در نتیجه اتخاذ چنین رویکردی موجب تضعیف مراودات تجاری بین‌المللی شده است. تلاش‌های صورت گرفته برای رسیدن به تعریف واحدی از نظم عمومی به نتیجه مشخصی، منجر نشده است. تعاریف متعددی صورت گرفت و «به طور کلی تعاریف، غامض و پیچیده بوده و به صورت دقیقی منظور از نظم عمومی را روشن نمی‌نماید» (حکیم، ۱۹۶۰: ۱۷۷). دلیل این امر این است که مفهوم نظم عمومی متغیر است، بر حسب مکان و زمان دگرگون می‌شود و تغییر می‌کند و دامنه وسیعی دارد که مانع از تعریف و تبیین نظم عمومی به صورت ثابت می‌شود (بذریچاچ و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۶۶). همچنین نقش نظم عمومی در اجرای قانون خارجی بسته به مراحل وجودی حق

قرارداد استفاده میکنند و این که قرارداد مخالف نظم عمومی است؛ در این وضعیت نظم قانون یا نظم عمومی عبارتی متداول است که برای ارزیابی اعتبار قراردادهای به کار می رود (گرچی ازندریانی و مرتضوی، ۱۳۹۷: ۵۱). در مفهوم مضیق تر نظم عمومی عبارت از این اصل است که یک شخص نباید اجازه داشته باشد تا کاری انجام دهد که در سطح گسترده منجر به آسیب عمومی شود.

هر نظام حقوقی در قالب مفهوم نظم عمومی از ارزشها و مصالح عالی جامعه خود در برابر منافع و آزادیهای فردی حمایت به عمل می آورد و بر این اساس کارکرد نظم عمومی در محدود ساختن برخی آزادی های فردی نمود پیدا میکند (گارنر، ۱۳۸۴: ۱۲۶۷). در تعریف دیگر نظم عمومی عبارت است از مجموعه ای از نهادهای حقوقی و قانونی که نه به موجب قانون خارجی و نه کنوانسیونهای خاص قابل تغییر میباشند. به هر حال میتوان گفت قوانین مربوط به نظم عمومی قوانینی هستند با هدف حفظ منافع عمومی که تجاوز به آن نظامی را که لازمه حسن جریان امور اداری، سیاسی، اقتصادی یا حفظ خانواده است را برهم میزند (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۶۸).

از آنجایی که مفهوم نظم عمومی ثابت نیست و بر حسب زمان و مکان تغییر می کند، برخی از نویسندگان و قانونگذاران ترجیح داده اند نظم عمومی را تعریف نکنند و موضوع را به صلاحدید قاضی واگذار کنند. گاهی ممکن است نظم عمومی بین المللی و داخلی در یک دولت دقیقاً یکسان باشد و با یک یا چند دولت مشترک باشد، اما این بدان معنا نیست که نظم عمومی مشترکی در همه امور برای همه دولت ها وجود داشته باشد. چرا که تاکنون چنین چیزی محقق نشده است و مفهوم نظم عمومی همچنان نسبی است و با توجه به زمان و مکان تغییر می کند (السنهوری، ۱۹۶۰: ۱۰۴). لذا گاهی «آنچه در یک کشور یا در یک زمان ممنوع می باشد در کشور دیگر و یا حتی در همان کشور ولی در زمان دیگر مجاز میگردد.» (همان: ۱۸۷) از اینجا، دشواری در تعیین

متفاوت می شود (دانش پژوه، ۱۳۹۳: ۱۲۶). برای شناخت نقش نظم عمومی در ممانعت از تأثیر بین المللی حق، باید از یک طرف مفهوم آن را شناخت و از طرف دیگر چگونگی تأثیر نظم عمومی بر اجرای حق ایجاد شده در کشور خارجی را شناخت. دشواری مفهوم نظم عمومی زمان بیشتر می شود که یک سری مفاهیم مرتبط با آن نیز مطرح گردیده است. اخلاق حسنه در ایران نمونه بارز آن است. در قوانین ایران در کنار اصطلاح نظم عمومی همانند حقوق کشورهای خارجی، اصطلاح اخلاق حسنه نیز بکار برده شده است. در این پژوهش مفهوم و آثار نظم عمومی در تأثیر بین المللی حق در نظام های حقوقی ایران و انگلیس مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

### ۲. مفاهیم

#### ۱-۲. مفهوم نظم عمومی در حقوق ایران

در تعریف نظم عمومی گفته شده است: «مجموعه تأسیسات حقوقی و قوانین وابسته به حسن جریان لازم امور مربوط به اداره کشور و یا راجع به صیانت امنیت و اخلاق در روابط آحاد مردم است که اراده افراد جامعه در جهت خلاف آنها بلااثر باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۲۶۵). بدین ترتیب براساس تعریف فوق مجموعه سازمانهای حقوقی و قواعد مربوط به حسن جریان امور راجع به حفظ امنیت و اخلاق در روابط بین افراد نظم عمومی است به طوری که افراد نتوانند از طریق قراردادهای خصوصی از آن تجاوز کنند. در تعریفی دیگر آمده است، مفهوم نظم عمومی مختص قوانین ضروری است؛ زیرا تخلف از هر قاعده الزامی به معنای مخالفت با نظام حکومتی نیست، بلکه احکام نظام حکومتی به معنای قواعد حمایتی است و وجود ملت و مصلحت آن در گرو رعایت آن مقررات است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۲۶۴). نظم عمومی در مفهوم موسع عبارت از اصول و معیارهایی هستند که توسط قانونگذار یا محاکم به عنوان نگرانی اساسی دولت و به طور کلی جامعه تلقی می شوند. محاکم گاهی از این واژه برای توجیه تصمیمات خود به هنگام اعلام بطلان یک

نیازهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی که منافع و مصالح هر جامعه بر آن استوار است نیز از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است. واضح است که منافع جامعه ثابت نیست و دائماً در حال تغییر است. بنابراین شرایط زمان و مکان، میزان رشد و توسعه یک نظام حقوقی و میزان رشد و تکامل باورهای اجتماعی در شکل گیری نظم عمومی و گستره یک نظام حقوقی مؤثر است (ارکلش ویلی، ترجمه سید قاسم زمانی، ۱۳۸۴: ۲۴).

## ۲-۲. مفهوم نظم عمومی<sup>۱</sup> در حقوق انگلستان

تاکنون از اصطلاح نظم عمومی در حقوق انگلستان تعریف دقیقی وجود ندارد و نمونه ها همیشه مورد بحث بوده است. زیرا نظم عمومی مشکلی است که مربوط به اخلاق، سیاست، اقتصاد و مبانی تمدن حاکم بر یک کشور است و از آنجایی که این مسائل از جامعه ای به جامعه دیگر بر حسب زمان و مکان و در نتیجه ارزش های هر جامعه متفاوت است. نسبی هستند، مفهوم و مصادیق نظم عمومی نیز از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در واقع مصادیق نظم عمومی بسته به شکل نهادهای قانونی هر جامعه و در هر زمان تغییر می کند (الماسی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹). همچنان که دیوان دادگستری اروپا بیان داشته است که کشورهای عضو جامعه اروپا مسوولیت منحصر به فرد را در تعریف نظم عمومی خود دارند. دیوان تصدیق می کند که کشورهای عضو میتوانند مفهوم نظم عمومی خود را نیز تغییر دهند (حدادی، ۱۳۸۹: ۱۶۱). با توجه به نسبی بودن مفهوم نظم عمومی از نظر زمان و مکان، دشواریهایی جهت احراز این مفهوم وجود دارد.

در بحث تعارض قوانین در حقوق انگلستان، قانون قابل اعمال بر اساس قواعد حل تعارض، اگر برخلاف نظم عمومی این کشور باشد، اعمال و اجرا نخواهد شد. در بررسی مفهوم نظم عمومی در حقوق انگلستان قانونی که مغایر با خط مشی قانونگذار، احکام اخلاقی و سنت های عمومی آن کشور باشد، خلاف نظم عمومی تلقی می شود (Catherine &

درست مفهوم نظم عمومی پدیدار می شود. تلاش برای تقسیم قوانین به قوانین نظم عمومی و قوانین غیر نظم عمومی و تعیین دقیق محدوده نظم عمومی ناکام مانده است و این موضوع (تشخیص موارد نظم عمومی) همچنان ادامه دارد. این موضوع به صلاحدید قاضی است و باید در کلیه مواردی که به وی ارائه می شود با صلاحدید وسیع خود عمل کند و مواردی را که نظم حقوقی خارجی با نظم عمومی حقوقی مغایرت دارد شناسایی کند. دولتی که او (قاضی) ممکن است با آن در تضاد باشد یا نباشد. نظریه های حقوقی و رویه قضایی این است که قاضی باید در زمان صدور حکم به مفهوم نظم عمومی در کشور خود پایبند باشد نه در زمان وقوع یا تجربه رابطه. در جریان اختلاف در دادگاه و در نتیجه اعمال مفاهیم حقوق خارجی، قانون در کشور قاضی باید همیشه اعمال شود. بر قاضی لازم است که از عمل به قانون مزبور خودداری کند (جابر جاد، ۱۹۵۱: ۶). همچنین در تعریفی دیگر آمده: مفهوم نظم عمومی، اخص از قوانین امری و الزامی است؛ چون نقض هر قانون الزامی به معنای مخالف با نظم عمومی نیست، بلکه منظور از قواعد نظم عمومی، مقرراتی است که حفظ و بقای ملت و منافع آن در گرو رعایت آن مقررات است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۸۳).

به نظر میرسد تمام تعاریف ارائه شده در یک چیز وحدت دارند و آن ارتباط نظم عمومی با منافع و مصالح عالی و بنیادی جامعه است. نباید تصور کرد که نظم عمومی مفاهیم و مبانی مختلفی دارد. زیرا در همه مواردی که از نظم عمومی یاد می شود، منظور این است که اجرای یک قاعده مربوط به مصالح برتر دولت و مصالح جامعه و جهت دادن به قراردادها است. غایت منافی که می تواند قانون را مجبور کند و اراده افراد را از دولت کاهش دهد، غایت منافی نیست که مانع اجرای غیرقانونی قوانین خارجی شود. بنابراین می توان گفت نظم عمومی مفهومی است که در همه جا درجات مختلفی دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۶۱). از آنجایی که هر جامعه ای دارای منافع، ارزش ها و علایق والای خاص خود است،

<sup>1</sup> Public policy

۳-۲: مفهوم تأثیر بین‌المللی حق<sup>۱</sup>

در ارتباط با مفهوم تأثیر بین‌المللی حق، اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که «تأثیر بین‌المللی حق» عنوان دیگری برای «شناسایی بین‌المللی حقوق مکتسبه» است و نباید آن را معادل با «حقوق مکتسبه» دانست. به طور ساده اگر حقی در زمینه حقوق خصوصی برای شخصی در کشوری ایجاد شود و بعداً در مرحله اجرای حق به این حق استناد شود، بحث تأثیر بین‌المللی حق مطرح می‌گردد. به عبارت دیگر به منظور اینکه حقی دارای تأثیر بین‌المللی گردد، اولاً حق باید بر طبق قانونی تشکیل شده باشد که قاعده حل تعارض آن را صلاحیت‌دار تشخیص دهد، ثانیاً حق باید به طور کامل و با رعایت تمام تشریفات و شرایط لازم به وجود آمده باشد (الماسی، پیشین: ۱۴۴-۱۴۵). ثمره حقوقی بررسی و تبیین ارتباط بین سیستمهای حل تعارض در دو مقطع زمانی، تمایز بین مرحله تشکیل حق با مرحله اثرگذاری حق بر قرار شده قبلی است و در واقع به منظور رعایت حقوق مکتسبه به جز موارد مرتبط به نظم عمومی، توجه به عدم تأثیرگذاری حقوق کشور محل اثرگذاری حق، بر اجرای حق ایجاد شده قبلی است. ثمره دیگر بررسی تأثیر بین‌المللی حق این است که دادگاه در مرحله تأثیر بین‌المللی حق و برای حل تعارض براساس قواعد ملی حل تعارض خود، قانون حاکم را تعیین می‌کند (نظیف، ۱۴۰۱: ۱۹۲).

تأثیر بین‌المللی حق به هر حقی که به موجب قانون سابق برای شخص یا اشخاصی ایجاد شده باشد، اطلاق می‌گردد (گرچی از ندریانی، ۱۳۹۲: ۲۷۹). انتظارات مشروع عموماً خواسته‌ها و انتظارات مشروع و معقولی است که در روابط متقابل افراد با مقامات دولتی به‌ویژه در زمینه اعمال اختیارات ایجاد می‌شود، به نحوی که بی‌اعتنایی یا بی‌اعتنایی آنها موجب آسیبی نشود. یا محرومیت... منفعت برای شهروندان است. بنابراین تضمین چنین انتظاراتی از شهروندان نیازمند نوعی حمایت قانونی است (زارعی و بهنیا، ۱۳۹۳: ۱۶). در مرلن<sup>۲</sup>، در تعریفی بیان

(Quinn, 2000). از نظر حقوق دانان این کشور نظم عمومی بین‌المللی بیانگر اصول و قواعد اساسی هر کشور است و دادگاه‌های آن کشور این اصول را بر اعمال قوانین خارجی یا حقوق ناشی از قانون مورد نظر اولویت می‌دهند (Dicey and Morris, 1987: 92). در حقوق انگلیس سه نکته قابل ذکر است. اول آنکه، حائز توجه در خصوص مفهوم نظم عمومی در نظام حقوق انگلستان آن است که برای هرگونه تفسیر و تحلیل از آن باید به سامانه بنیادین نظام حقوقی آن عنایت داشت (Mosconi, 1989: 185). به علاوه، حقوق از نظر مبانی و منابع حقوقی، در نظام حقوقی کامن‌لا، به معنای مصوبات نهادهای قانونگذاری، به میزانی که در نظام «رومی-ژرمنی» مورد نظر است، پذیرفته شده است. سیستم حقوقی کامن‌لا به این دلیل شناخته شده است که حقوق بر اساس پیشینه حقوق عمومی تعداد زیادی از موضوعات یا پرونده‌های قضایی است و اساساً برای دادگاه‌ها مرکزیت دارد. پس «قانونگذار واقعی»، قضات دادگاه‌ها هستند که با تثبیت حق افراد و به نوعی به ایجاد قواعد لازم‌الاتباع می‌پردازند (بدرپاچ و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۰). دوم، آنکه در پیدایش مفهوم نظم عمومی در انگلستان باید با جستجو در آرای قضایی و احکام صادر به دنبال شناسایی و رسمیت دادن به این مفهوم بود. از این رو، کشف این مفهوم در شکلی که در متون قانونی قابل استناد باشد، مقدور و عملی نخواهد بود و سوم، قابل ذکر در این مقام آن است که در بررسی این مفهوم در میبایم که تحول عملی و شناسایی این مفهوم، ابتدا در بستر رویه قضایی صورت گرفته و مجالس انگلیس از ابتدا به تبیین ضوابط مرتبط با آن نپرداخته‌اند؛ اما در سال ۱۸۵۳ راسا نسبت به شناسایی این مفهوم، اقدام و به ارائه تعریف از آن پرداخته‌اند (شریف زاده لاری، ۱۳۸۴: ۱۰). در کنار این تعریف، شناخت مصادیق مرتبط با نظم عمومی فقط در رویه قضایی این کشور امکان‌پذیر است.

<sup>2</sup> Merlon

<sup>1</sup> International Impact of right

شده است. کشورها می توانند با تعیین خط و مشی نظم عمومی مراودات تجاری بین المللی را توسعه یا کاهش بدهند. با این توضیح که با پذیرش مفهوم وسیع از نظم عمومی، حقوق مکتسبه اشخاصی که در خارج از کشور چنین حقوقی را بدست آورده اند، به خطر می افتد و طبیعتاً تجار و اتباع کشورهای خارجی در چنین کشوری کمتر تجارت می کند و به نوعی میزان سرمایه گذاری به شدت کاهش پیدا می کند.

در هر صورت نظم عمومی مفهومی سرزمینی دارد و خاص هر کشور است که می تواند در طول زمان متحول شود. این امر که نظم عمومی نه تنها یک مفهوم سرزمینی است؛ بلکه همچنین یک مفهوم منطبق بر زمان است، نتیجه در حقوق بین الملل خصوصی دارد دادگاهی که با ایراد نظم عمومی روبرو میشود باید نظم عمومی را آن گونه اعمال کند که در زمان صدور حکم تعریف شده است، نه در زمانی که واقعیات پرونده اتفاق افتاده اند (الهوئی نظری، ۱۴۰۰: ۷۶). در پرونده ای مبنی بر اینکه نظم عمومی یک مفهوم منطقه ای است، دیوان دادگستری اروپا اعلام کرد که کشورهای عضو جامعه اروپایی مسئولیت منحصر به فردی برای تعریف نظم عمومی خود دارند. بر این اساس، دادگاه تأیید می کند که کشورهای عضو نیز می توانند درک خود را از نظم عمومی تغییر دهند.<sup>۱</sup> در برخی کشورها، نظم عمومی ممکن است دارای منابع نانوخته ای مانند اخلاق حسنه، آداب و سنن باشد که عموماً توسط قضات تعیین و اجرا می شود (بدرپاچ و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۶۵). از آنجایی که قوانین مربوط به نظم عمومی، اصل اراده آزاد را محدود می کند، در زمینه حقوق خصوصی معتبر است. محدود کردن آزادی قراردادها یک ضرورت اجتماعی و سیاسی است، زیرا حافظ منافع اساسی و پایه های ضروری هر جامعه است و یک ضرورت منطقی است، زیرا افراد را از براندازی نظام حقوقی به میل خود باز می دارد (فلسفی، ۱۳۷۹: ۵۹). بنابراین، کارکرد نظم عمومی

داشته: «حقی است که به طور قطع به ملکیت شخص درآمده و مدیون نمی تواند آن را از بین ببرد؛ خواه این حق ناشی از قرارداد یا وصیت باشد یا در اثر فوت به میراث برسد.» (کاتوزیان، پیشین: ۲۸۹) نتیجه مهمی که مرلین از تعریف خود می گیرد این است که حق معلق نیز باید جزو حقوق مکتسبه باشد، زیرا بدهکار نمی تواند آن را فسخ کند. این تعریف با تغییرات جزئی مورد قبول بسیاری از نویسندگان قرار گرفته است (همان: ۲۸۷). آنچه در تعریف مرلین مورد انتقاد به نظر می رسد این است که گفته می شود مطلق است: هر حقی اگر ناشی از قانون باشد لزوماً متعلق به شخص است و گاهی اوقات حقی به طور متزلزلی توسط قانون برای شخص ایجاد می شود، اما همچنان این حقوق را دارد. ماهیت حق مکتسب. در تعریف دیگری آمده است: «اثر بین المللی حق، حقی است که از قرارداد و قانون ناشی می شود و در واقع امتیازی است که با اراده و اختیار صاحب حق به دست می آید و باید به عنوان یک حق مکتسب در برابر تغییر و تحول در حق، حمایت شود. قانون.» (زارعی و بهنیا، پیشین: ۱۸). بر اساس این تعریف، در مواردی که «حق» مبتنی بر اراده و خواست شخص باشد و مردم آن را به عنوان نوعی تکلیف از طریق قراردادها و در روابط خصوصی خود ایجاد کنند، قانون، تصمیم یا اعلام جدید تأثیری بر آن ندارد. این. و امتیاز قراردادی اولی را از بین نمی برد. از این منظر، دلیل اصلی رعایت حقوق مکتسبه، مصون ماندن انسان، احترام به اراده و خواسته های او و البته این است که نمی توان مفهوم حق را از انسان متفکر جدا کرد. آزادانه تصمیم می گیرد.

### ۳. اثر نظم عمومی در ممانعت از تأثیر بین المللی حق

در تعیین قواعد مربوط نظم عمومی، هر کشوری براساس مصالح و منافع جامعه خود قانون گذاری می کند. کشورها در این خصوص از آزادی عمل برخوردارند. این حق کشورها از سوی مراجع بین المللی نیز به رسمیت شناخته

ruling: High Court of Justice, Chancery Division - United Kingdom. Public policy, 1974

<sup>1</sup> Yvonne van Duyn v Home Office, Judgment of the Court of 4 December, Reference for a preliminary

میگیرد و در صورت تأثیر، صرفاً اثر منفی دارد. یعنی نظم عمومی در مرحله اثر گذاری فقط مانع بروز آثار حق ایجاد شده قبلی است. نظم عمومی در مرحله ایجاد حق اثر شدیدتر دارد و بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و ممکن است آثار مثبت و یا منفی داشته باشد (نظیف، پیشین: ۲۱۲). در نتیجه باید گفت، اثر رژیم منع استیفای حقوق ایجاد شده در خارج از ایران است که خلاف آرمان‌های نظام عمومی ایران است. قبول این کار و رضایت موجب حل اختلاف طبق قانون صلاحیتدار خارجی می‌شود.

ظهور آثار مثبت نظام حکومتی پس از آثار منفی امکان‌پذیر است، اما هرگز به تنهایی و مجزا و بدون آثار منفی قبلی ظاهر نمی‌شود، در حالی که آثار منفی می‌تواند به تنهایی و جدا از هم ظاهر شود. برخی از حقوقدانان بر این باورند که ترک قانون خارجی همواره منجر به تغییر قانون قاضی می‌شود، بنابراین امتناع قاضی از اجرای مقررات خارجی که اجازه به رسمیت شناختن فرزند نامشروع را می‌دهد، به معنای اجرای قواعد قانون قاضی است، که این پذیرش را ممنوع می‌کند. (شریعت باقری، ۱۳۸۴: ۲۷۴). هنگامی که شخصی به تأثیر بین‌المللی حق، با دارا بودن تمامی شرایط آن استناد مینماید، ممکن است به مانع نظم عمومی برخورد نماید. نظم عمومی، مهمترین مانع بر سر راه تأثیر بین‌المللی حق محسوب می‌شود. نظم عمومی در آخرین مرحله از فرآیند تعارض قوانین و بعد از انتخاب قانون حاکم به علت اینکه این قانون بر خلاف اصول ارزشهای مقرر دادگاه می‌شود، مانع اجرای قانون یا استناد به حق مکاتب می‌گردد (Ghohghor, 2006: 31). در نتیجه باید گفت که، اثر نظم عمومی گاهی منفی و گاهی مثبت است. وقتی قاضی بدون تغییر مثبت در قانون محل استقرار دادگاه از اعمال قانون صالح خارجی جلوگیری کند، تأثیر نظم عمومی منفی است. اگر قاضی ابتدا از اعمال قوانین خارجی امتناع کند و سپس به طور مثبت قانون کشور خود را جایگزین کند، تأثیر سیاست عمومی مثبت است. هنگامی که حقی در خارج از کشور تحصیل می‌شود، قاضی می‌تواند با استناد به مفهوم مضیق، به سیاست عمومی رجوع کند و در

در حقوق داخلی، بطلان قراردادهای خصوصی مغایر با آن و در حوزه حقوق بین‌الملل خصوصی، جلوگیری از اجرای قوانین خارجی یا تصمیمات دادگاه‌های خارجی است (لافورس، ترجمه مهدی حدادی، ۱۳۷۹: ۳۵). دادگاه‌ها نیز مسئول نظارت بر اجرای قواعد امری و نظم عمومی هستند. به نظر میرسد از آنجایی که نظم عمومی را نهاد قانون گذاری هر کشور با تناسب نیازهای جامعه خود و به صورت نسبی غیر ثابت و متغیر وضع میکند مناسب است که این مقایسه در هر قضیه‌ای به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته شود. نظم عمومی در حقوق بین‌الملل خصوصی چارچوب مشخصی ندارد و نسبت به زمان و مکان متغیر است، با این وجود قانون قراردادهای بین‌المللی رویه قضایی، عرف و عادات و اخلاق حسنه میتوانند مبنایی برای تشخیص نظم عمومی قرار گیرند.

نظم عمومی در حوزه ایجاد حق، ممکن است در قبال قانون خارجی صرفاً اثر منفی داشته و تنها مانع اجرای قانون خارجی شود و اجرای قانون مقرر دادگاه را به دنبال نداشته باشد. به عبارت دیگر آثار منفی نظم عمومی در وضعیتی است که قانون خارجی اصلح به لحاظ مغایرت با نظم عمومی اجرا نمی‌شود و قانون دیگری هم جانشین آن نمی‌شود و در مواردی ممکن است علاوه بر اثر منفی در قبال قانون خارجی صلاحیتدار، در قبال قانون دولت متبوع قاضی اثر مثبت هم داشته باشد. یعنی نظم عمومی در مواردی نه تنها ممکن است مانع از اجرای قانون خارجی صلاحیتدار شود بلکه موجب اجرای قانون مقرر دادگاه به جای قانون خارجی و ایجاد حق جدید نیز بشود به عبارت دیگر آثار منفی - مثبت نظم عمومی زمانی مطرح می‌شود که قانون خارجی به علت مغایرت با نظم عمومی اجرا نمیشود اثر منفی اما دعوی به حال خود رها نشده بلکه قانونی به جانشینی از قانون خارجی در مورد پرونده اعمال می‌شود. نظم عمومی در هر یک از مراحل ایجاد حق و اثرگذاری حق آثار متفاوت ایجاد می‌کند و دارای وضعیت برابر و مشابه نیست و اثر نظم عمومی در مرحله اثرگذاری خفیف‌تر است و کمتر مورد استفاده قرار

دامنه محدودتری دارد. ماده ۹۷۵ ق.م ایران هر چند ظاهراً از نظم عمومی به طور کلی سخن گفته است اما ماده مزبور در بخش مربوط به بر اعمال قانون خارجی صلاحیت دار دانست. حقوق بین الملل خصوصی بوده و باید در معنای محدود خود تفسیر شود و آن را استثنایی بر اعمال قانون خارجی صلاحیت دار دانست (الهوئی نظری، ۱۴۰۰: ۷۸). در حقوق داخلی نظم عمومی شامل آن دسته از قواعدی است که اصطلاحاً «قواعد امری» نامیده میشوند. اعم از اینکه قواعد مزبور مربوط به حقوق خصوصی یا مربوط به حقوق عمومی باشد. مخالفت با نظم عمومی در حقوق داخلی چیزی جز نقض قواعد و مقررات امری نیست (صفایی، ۱۳۹۸: ۱۸). البته نظم عمومی مورد بحث در این جا، مضیق تر از نظم عمومی در حقوق داخلی است. به طور کلی می توان گفت نظم عمومی عبارت است از رعایت قوانین و مقررات اجباری که افراد به موجب قرارداد از آنها پیروی نمی کنند تا جایی که رعایت نکردن و نقض آن خلاف نظم عمومی تلقی شود. به این ترتیب تشخیص نظم عمومی و مخالفت با آن بر عهده قاضی است.

در نظام حقوقی اتحادیه اروپا شناسایی و اجرای حکم خارجی، در صورتی که آشکارا مغایر با نظم عمومی در کشور باشد، پذیرفته نمی شود. در این مورد می توان به ماده ۴۵ (۱) الف) آیین نامه بروکسل ۲۰۱۲، بند ۱ ماده ۳۴ مقررات بروکسل ۲۰۰۱ و کنوانسیون لوگانو ۲۰۰۷ توجه داشت که در آن مقرر شده است که شناسایی و اجرای حکم خارجی، در صورتی که آشکارا مغایر با نظم عمومی در کشور باشد، پذیرفته نمی شود. مطابق مواد فوق شناسایی و یا اجرای حکم خارجی زمانی که تا حد غیر قابل قبولی با نظم عمومی دولت مجری حکم مغایرت داشته باشد، رد خواهد شد. یک مثال اصلی جایی است که محکوم علیه حکمی نشان دهد که طبق ماده ۶ کنوانسیون حقوق بین الملل حقوق بشر از حق محاکمه عادلانه محروم شده است. در یک پرونده

نظر بگیرد که حق مورد بحث در آینده معتبر خواهد بود، حتی اگر قانون محلی که دادگاه در آن واقع شده است، آن را تشخیص ندهد. این حق برقرار شده است. به عنوان مثال، اگر یک فرد ایرانی بخواهد در بلژیک زن دومی اختیار کند بر این اساس که قانون ایران تعدد زوجات را به عنوان قانون ملی مجاز می داند (قاعده حل اختلاف بلژیک در مورد احوال شخصیه قانون ملی اعمال می شود)، نظم عمومی بلژیک این حق را در منافع نظم عمومی در کشور خود از اثرات شدید آن جلوگیری می کند. از طرف دیگر، اگر همان ایرانی قبلاً طبق قوانین ایران در ایران زن دوم گرفته باشد و سپس به عواقب این ازدواج دوم اشاره کند، قانون بلژیک ازدواج دوم را یک حق مکنتسه می داند و نظم عمومی بلژیک نمی پذیرد. این موقعیت. با آن مخالفت کنند (ارفع نیا، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

نظم عمومی بین حقوق داخلی و حقوق بین الملل خصوصی، در عنوان مشترک است و در حقوق داخلی نیز مورد استناد قرار می گیرد و جهت استناد آن برای مقابله و بی اثر ساختن ارادهی خصوصی در برابر نفع عمومی می باشد (سلجوقی، ۱۳۹۵: ۱۷۸). ماده ۹۷۵ قانون مدنی مقرر میدارد: «محکمه نمی تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می شود را به موقع اجرا گذارد اگرچه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.» اما مفهوم و قلمرو نظم عمومی در حقوق داخلی و حقوق بین الملل خصوصی با یکدیگر تفاوت اساسی دارد. بین نظم عمومی در حقوق داخلی و نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی رابطه عمومی و خصوصی مطلق وجود دارد، بنابراین برای مثال هر چیزی که در روابط بین الملل ایران خلاف نظم عمومی باشد در روابط داخلی ایران نیز خلاف نظم عمومی است. هر چیزی که خلاف نظم عمومی در روابط داخلی باشد. لزوماً مغایر با نظم عمومی در روابط بین الملل نیست و این خود کشفی است که نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی مفهوم و



خارجی ثبت نمی‌شود.» دفاع مندرج در FJA 1933 محدودتر از دفاعی است که در AJA 1920 وجود دارد و بیشتر شبیه به موضع کامن‌لاست. این قانون مقرر می‌دارد که در صورتی که اجرا مغایر با نظم عمومی در کشور دادگاه ثبت کننده باشد، ثبت حکم کنار گذاشته می‌شود. در نتیجه یک حکم خارجی در صورتی اجرا نخواهد شد که اجرای آن مغایر با نظم عمومی انگلستان باشد. گفته شده است که اگر این موضوع نظم توسط دادگاه خارجی مورد بررسی قرار گیرد (یا اگر نظم عمومی کشور خارجی اساساً مطابق قوانین انگلیس باشد)، نتیجه دادگاه خارجی ممکن است مانع از طرح این موضوع در مقابل انگلیس شود. تعریف "نظم عمومی" دشوار است قبلاً یک قاضی دادگاه تجاری گفته بود که "هیچ وقت عاقلانه نیست که سعی کنیم تعریف جامعی از محتوای آن داشته باشیم". با این حال، به سیاست یک دولت منفرد اشاره نمی‌کند یا به حمایت از منافع تجاری یا استراتژیک ملی مربوط نمی‌شود. در عوض به مفاهیم اخلاقی اشاره می‌کند و به دنبال جلوگیری از مداخله در دعوی یا رشوه و نفوذ و همچنین امتناع از اجرای قراردادهای برای انجام یک فعالیت غیرقانونی است.

### ۱-۳: تعدیل اثر نظم عمومی در تأثیر بین‌المللی حق

در فقدان یک معاهده الزام آور قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی برای هر دولت اساساً صلاح‌دید و اختیاری است؛ و حقوق بین‌الملل هیچ محدودیت مشخصی را نسبت به حقوق بین‌الملل خصوصی تحمیل نمی‌کند. با این دیدگاه قواعد انتخاب قانون حاکم و قواعد مربوط به شناسایی و اجرای احکام خارجی برای نظامهای حقوقی ملی جنبه صلاح‌دید دارد. هر کشور در تعیین و تعریف نظم عمومی خود صلاحیت انحصاری دارد (صادقی، ۱۳۸۴: ۹۲). با این

جدیدتر<sup>۱</sup>، مغایرت با نظم عمومی به عنوان مانعی برای اجرای حکم خارجی تلقی گردید. نمونه دیگری از استثناء نظم عمومی در مواردی است که دادرسی خارجی به تقلب آلوده شده است. از سوی دیگر، عدم ارجاع به دیوان اروپایی توسط دادگاه مبدأ، تشخیص و اجرای حکم را آشکارا مغایر با نظم عمومی بریتانیا نمی‌کند، زیرا راه حل نهایی در قالب دعوی علیه دولت دادگاه مبدأ وجود دارد.<sup>۲</sup>

در قواعد کامن‌لا، استثناء نظم عمومی یک دسته مهم از دلایل عدم شناسایی و عدم اجرای احکام خارجی است. یک مورد اخیر<sup>۳</sup>، نشان می‌دهد که شناسایی و اجرای حکم خارجی در ارتباط تنگاتنگ به نظم عمومی است و رویه قضایی انگلستان به خوبی این موضوع را نشان داده است. در این پرونده علت دعوا در دادرسی خارجی برای حقوق انگلیس ناشناخته است و به همین دلیل مغایر با نظم عمومی انگلستان شناخته شده است.<sup>۴</sup> در پرونده دیگری «از اجرای حکم خارجی به دلیل مغایرت با نظم عمومی و به این دلیل که حکم خارجی با نقض توافقنامه یا دستور داوری صادر شده است.»<sup>۵</sup> جلوگیری شد. همچنین در پرونده دیگری حکم خارجی به این دلیل مورد شناسایی قرار نگرفت و اجرا نشده که اجرای حکم خارجی اصل قضاوت را خدشه‌دار کرده و از حکمیت تخطی کرده است، زیرا حکم خارجی با تصمیم قبلی یک دادگاه صالح انگلیسی در دادرسی بین همان طرفین یا افراد خصوصی آنها در تضاد بوده و مغایرت داشته.<sup>۶</sup> در نتیجه مغایر با نظم عمومی انگلستان تلقی گردیده و اجرا نگردید.

در سایر طرح‌های قانونی در نظام حقوقی کامن‌لا قاعده فوق دیده می‌شود. چنانچه مطابق با بخش ۹ (۲) AJA 1920 «اگر دادگاه ثبت کننده به دلایل نظم عمومی یا دلایل مشابه دیگر نتواند به دلیل دعوی رسیدگی کند، یک حکم

<sup>4</sup> (Re Macartney [1921] 1 Ch 522);

<sup>5</sup> (AK Investment CJSC v Kyrgyz Mobil Tel Ltd [2011] UKPC 7);

<sup>6</sup> ED&F Man (Sugar) Ltd v Haryanto (No. 2) [1991] 1 Lloyd's Rep. 429).

<sup>1</sup> Laserpoint Ltd v Prime Minister of Malta and others [2016] EWHC 1820 (QB),

<sup>2</sup> CDR Creances SAS and another v Tapie and others [2019] EWHC 1266 (Comm).

<sup>3</sup> Lenkor Energy Trading DMCC v Puri [2020] EWHC 1432 (QB)

اگرچه سیاست عمومی در این کشور طلاق را برای همه ممنوع می‌کند. شخص مورد نظر یک خارجی است که قانون ملی او چنین چیزی را مجاز می‌داند. اما وقتی فرد مورد نظر در خارج از کشور طلاق می‌گیرد، حتی به دست می‌آورد و فقط بحث حفظ تبعات این حق مطرح می‌شود و با رعایت نظم عمومی سعی در برخورد با آن ندارند. چنین چیزی نه با مقتضیات عدالت سازگاری دارد و نه با مقتضیات زندگی جدید و گاه منجر به افزایش ارتباط و ارتباط بین شهروندان کشورهای مختلف می‌شود و به همین دلیل اخیراً دادگاه‌های بریتانیا مجبور شده اند تغییر می‌کند. ازدواج با بیش از یک زن بدون جهت و تنظیم و حق مفهوم نظم عمومی و آثار چنین ازدواجی متفاوت است. بر این اساس دادگاه‌های انگلیس چنین ازدواجی را مجاز نمی‌دانند و این نهاد را در انگلستان به رسمیت نمی‌شناسند، اما در عین حال آثار این ازدواج را شکل گرفته و طبق قانون در خارج از انگلستان می‌شناسند. همچنین می‌دانند که مشروعیت فرزندان حاصل از چنین ازدواجی و حق ارث بردن فرزندان مذکور از پدر و زنان از شوهراشان را می‌پذیرند (حدادی، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

به نظر می‌رسد که اعمال استثناء نظم عمومی باید خیلی محدود باشد. یک تفاوت صرف میان قوانین دو کشور برای این که قوانین یک کشور در کشور دیگر مغایر با نظم عمومی تلقی شود توجیه کننده نیست، برای عدم اجرای قانون خارجی این تفاوت باید با یک معیار کیفی همراه باشد. تفاوت میان قانون خارجی و قانون مقر دادگاه باید آن قدر اساسی و مهم باشد تا قاضی را تشویق کند که به این باور برسد که قانون خارجی نباید اعمال شود. قلمرو استثناء نظم عمومی در شناسایی و اجرای احکام خارجی که با ممنوعیت رسیدگی ماهوی همراه است باز هم از محدودیت بیشتری برخوردار می‌شود. در این ارتباط دادگاه اروپایی می‌گوید توسل به نظم عمومی تنها جایی قابل کاربرد است که شناسایی یا اجرای حکم در مغایرت با میزان غیر قابل قبولی با نظم عمومی کشور مورد نظر باشد تا جایی که یک اصل اساسی را نقض کند (Peters, 2021: 165).

حال اعمال افراطی صلاح‌دید استثناء نظم عمومی اساس وجودی قواعد حقوق بین الملل خصوصی را به مخاطره می‌اندازد و آن را زایل می‌کند. اگر قواعد ناظر بر اعمال قانون خارجی و یا شناسایی و اجرای احکام خارجی به کرات، به استناد مغایرت با نظم عمومی به کناری گذاشته شود بدون شک منجر به از بین رفتن فلسفه وجودی حقوق بین الملل خصوصی و آنچه را که این حقوق مقرر می‌کند خواهد شد. این در حالی است که قواعد مربوط به انتخاب قانون حاکم و قواعد حاکم بر شناسایی و اجرای احکام خودشان اساساً قواعد مربوط به نظم عمومی می‌باشند. محاکم نمیتوانند با اعمال صلاح‌دید نظم عمومی خود را فارغ از ارزشها و قواعد دیگر نظم عمومی رها کنند اعمال نظم عمومی خود یک نوع اعمال قاعده انتخاب قانون حاکم است (Miles, 2008: 6). به این ترتیب نظم عمومی یک انتخاب استثنایی قانون حاکم است و این مستلزم دو نتیجه نخست آن که ویژگی استثنایی بودن آن به خودی خود محدودیت اعمال نظم عمومی را توجیه میکند و دیگر این که این استثناء علیرغم استثناء بودنش بیانگر آن است که قبول نظم عمومی به عنوان یک قاعده انتخاب قانون حاکم تابع محدودیتهای معمول در خصوص قواعد انتخاب قانون حاکم است. در این صورت محدودیتهای اعمالش تابع همان اصولی است که بر خود قواعد انتخاب قانون حاکم جاری است.

اثر خفیف نظم عمومی در تأثیر بین‌المللی حق در کشور انگلستان به خوبی مشهود است. قانون انگلیس و رویه قضایی بین نقش سیاست عمومی در ایجاد حق و نقش آن در بهره‌مندی از حقی که در یک کشور خارجی به دست آمده تمایز قائل می‌شود (بدرپاچ و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶۷). گرایش جدید تمایل دارد به آثار حقی که در خارج از کشور به دست آمده طبق الزامات قانون خارجی صالح مطابق آنچه در قوانین مندرج در اسناد ملی پیش بینی شده است، احترام بگذارد، حتی اگر قوانین ملی ایجاد آن را به دلیل تعارض اجازه ندهد. بنابراین، شخصی که زن خود را طبق مقررات قانون خود مبنی بر جواز طلاق دهد، رابطه بین زوجین قطع می‌شود،

ندارد استناد به نظم عمومی برای عدم اجرای حکم قابل توجیه نیست (Mills, 2018: 16). به هر حال استثناء نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی با توجه به عدم قطعیت و ابهام بارها به دلیل این که اولاً متضمن اعطای یک اختیار صلاحیدیدی گسترده به قضایی ملی است و ثانیاً اغلب تعیین مفاد و عواقب اعمال آن از قبل کار ساده و قابل پیش بینی نیست مورد انتقاد قرار گرفته است (Peters, 2021: 178).

در نتیجه هیچ قاعده ای وجود ندارد که به طور قطعی شرایطی را که رعایت و رجوع به نظم عمومی برای حقوقی که در خارج از کشور به دست می آید، هر چند مخالف نظم عمومی باشد، ترجیح دهد. در واقع این موضوع مبتنی بر فرضیات و حدسیاتی است که بسته به قدرت ارائه حق مکتسبه، استحکام حق، دوام آن و اهمیت آثار آن متفاوت است. در واقع رویه قضایی با برخوردی که با این مساله دارد، تکلیف را مشخص می نماید.

## ۴. اثر نظم عمومی در تأثیر بین المللی حق با نگرش به آرای قضایی

در رویه قضایی داخلی نظم عمومی به عنوان مانع تأثیر بین المللی حق استناد شده است. در حالی که در رویه قضایی کشور انگلیس اثر خفیف ممانعت نظم عمومی در تأثیر بین المللی حق مشهود است. با این وجود، رویه قضایی نیز با توجه به اینکه غیر منسجم، ناکافی و متکثر است، نمی تواند در بردارنده یک تحلیل عمومی و جامع از نظم عمومی باشد و نیز رویه قضایی هر کشور محدود به مرزهای جغرافیایی آن است و نمی تواند یک اشتراک عام علمی در سطح بین المللی ایجاد کند.

در یکی از آرای صادره از محاکم ایران که به نظر نگارنده با رعایت حداکثری مبانی نظری و تئوری مرتبط با تأثیر بین المللی حق و با شناخت این مفاهیم صادر شده است، دادگاه صادر کننده حکم، در تلاش برای اثر گذاری در ایران

در استناد به نظم عمومی و احراز مغایرت قانون خارجی با ارزشهای مقرر دادگاه دو معیار جدی بودن نقض<sup>۱</sup> و میزان ارتباط<sup>۲</sup> با دادگاه را باید مورد توجه قرار داد. اول) جدی بودن نقض جدی بودن نقض هنجارهای مقرر دادگاه با اعمال قانون، خارجی ملاک مهمی برای استناد به نظم عمومی است با اعمال یک قانون خارجی هنجار مقرر دادگاه میتواند در یک سطح ناچیز شکلی و تکنیکی و یا مهم و اساسی مورد هدف قرار گیرد برای برخی هنجارها میتوان در جاتی از نقض را در نظر گرفت. به عنوان مثال در ارتباط با اجرای احکام، خارجی این واقعیت که یک دادگاه خارجی جبران خسارت بزرگتری را در مقایسه با یک محکمه ای که قضیه در آن مطرح است حکم کرده، به خودی خود نمیتواند دلیلی برای رد شناسایی و اجرای حکم خارجی در نظر گرفته شود. با این حال چنانچه رای صادره متضمن یک مبلغ فوق العاده سنگینی به عنوان جبران خسارت باشد محکمه ممکن است با استناد به نظم عمومی از اجرای حکم امتناع کند. این مطلب که چطور ممکن است یک حکم مغایر با نظم عمومی باشد آشکارا به درجه و شدت آن بستگی دارد اگر قانون یک حداقل سنی را برای انجام یک عقد معین کرده باشد چند ماه کمتر از این سن بسیار کمتر توجیه کننده امکان استناد به نظم عمومی است در مقایسه با وضعیتی که فرد سن اش به طور قابل ملاحظه ای کمتر از سن مقرر باشد.<sup>۳</sup> بنابراین جدی بودن نقض یک هنجار به خودی خود در بسیاری موارد یک بعد اضافه تری از تجزیه و تحلیل اعمال نظم عمومی در حقوق بین الملل خصوصی است هر چه نقض یک هنجار شدیدتر باشد امکان استناد به نظم عمومی قابل قبول تر جلوه می کند.

دوم) میزان ارتباط با دادگاه است. نکته مهم دیگر در توجیه استناد به نظم عمومی این است که بینیم موضوع اختلاف تا چه اندازه با دادگاه مقرر ارتباط پیدا میکند. اگر موضوعی از پرونده مغایر با نظم عمومی قانون مقرر، باشد از آنجا که کل قضیه اساساً هیچ ارتباطی با قانون کشور اجرا کننده حکم

<sup>3</sup> Krombach v. Bamberski [2000] ECR I-1935, Case C-7/98

<sup>1</sup> seriousness of the breach.

<sup>2</sup> proximity.

کنند. آنها تابع قوانین کشور خودشان (ایران) هستند. زیرا حقوق بین الملل خصوصی ایران صلاحیت قانون دولت مربوطه را برای هر شخص اعلام می کند و مواد ۶ و ۷ قانون مدنی ایرانیان مقیم خارج از کشور را از نظر طلاق مشمول قانون ایران و اتباع خارجی مقیم ایران را مشمول ایران می - دانند. ماده ۶ قانون مدنی ایران قاعده اعمال قانون ملی نسبت به احوال شخصیه ایرانیان مقیم خارجه را تایید نموده و مقرر می دارد: «قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و احوال شخصیه و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو مقیم در خارجه باشند، مجری خواهد بود.» همچنانکه در اصل تطبیق قوانین ملی در موقعیت های شخصی مورد قبول جامعه بین المللی در قراردادهای سیاسی چند جانبه سال های ۱۹۰۲ و ۱۹۰۵ در لاهه قرار گرفت و جنبه های صوری آن مبتنی بر قاعده مندرج در ماده ۹۶۹ قانون مدنی است. قانون محل اجرای دادرسی اداری و قضایی طلاق این محل اقامت آنها (ایالات متحده آمریکا) است که در آنجا پرونده طلاق را شروع می کنند. اگرچه در سیستم حقوقی ایالات متحده، قاعده اعمال قانون اقامت اعمال می شود که در آن قاضی دادگاه خارجی قوانین ایالت کلرادو را اعمال می کند، با توجه به تصمیم دادگاه داگلاس، ایالت کلرادو، به شماره پرونده DR۰۰۰۹۴۲۲۰۸، در رای دادگاه مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۹۸، قاضی دادگاه خارجی (دادگاه داگلاس)، قاضی دادگاه خارجی بوده و مغایرت یا مغایرتی با قوانین ماهوی ایران ندارد. حضور متهم (زن و شوهر) در جلسه دادگاه و خودداری از ارائه دلیل، لذا در خصوص اموال زوجین و تعدادی از امور مالی تصمیم گیری شد و این بیانیه از سوی دادگاه مذکور افزوده شد. شاکی (همسر) اشاره می کند که در ایران تقاضای طلاق خواهند کرد" با رای صادره منافاتی ندارد، زیرا در این مرحله از تحقیقات و کیل تجدیدنظرخواه (همسر) ابهام در نحوه حل این موارد از جمله وضعیت کلی موکلش و وضعیت مالی همسرش. حقوق رفع شد.

ثالثاً، طبق بند دوم ماده ۱۶۹ قانون مقررات مدنی شماره ۱۳۵۶، مفاد رأی نباید مغایر قوانین مربوط به نظم و اخلاق

برای حق ایجاد شده در آمریکا می باشد. در این پرونده ابتدا دادگاه ساری مستنداً به ماده ۶ قانون مدنی و ماده ۱۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی، حکم به بطلان دعوی خواهان صادر و اعلام نموده است. سپس به موجب تجدیدنظرخواهی صورت گرفت از رأی دادگاه بدوی، دادگاه تجدیدنظر استان مازندران برخلاف استدلال و استنباط دادگاه نخستین، ضمن نقض رأی و پذیرش خواسته خواهان حکم به تنفیذ طلاق صادره در آمریکا را داده است. در این رأی دادگاه صادر کننده عنوان خواسته «اثبات واقعه طلاق» را به معنای خواسته «تنفیذ حکم طلاق صورت گرفته در خارج» تلقی کرده و به جای رد آن، نسبت به پذیرش آن اقدام نموده است. دادگاه تجدیدنظر با استدلال های مبتنی بر تأثیر بین المللی حق، به جای ارائه مفهوم وسیع از نظم عمومی، چنین بیان کرده است:

اولی حق شکایت است که یکی از حقوق اساسی بشر است که در آن افراد می توانند برای دفاع از حقوق خود یا پایان دادن به خصومت ها به دادگاه های صالح مراجعه کنند، همانطور که در اسناد ملی و بین المللی حقوق بشر از جمله اصل ۳۴ قانون اساسی آمده است. جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و بند ۲ ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر ۱۹۹۰ قاهره و ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶ نوبت به تصویب شورای ملی رسیده است که بند یکم آن قانون داخلی مطابق ماده ۹ قانون مدنی ایران است که دولت ایران بدون قید و شرط و اظهارات تفسیری در سال ۱۳۵۴ تصویب کرد و در آن این حق تصریح و تاکید شده است. همانطور که اتباع خارجی مانند اتباع داخلی حق شکایت به دادگاه های قضایی هر کشوری را دارند، شاکی (همسر وی) در راستای حق خود در طرح دعوی و رفع مشکل با مراجعه به دادگاه قضایی ایالات متحده اقدام کرد.

ثانیاً، طبق قاعده تعارض قوانین ایران، زن و شوهر ایرانی مقیم کشورهای خارجی می توانند با توجه به شرایط شخصی از جمله جنبه های مالی طلاق، در همان کشورها تقاضای طلاق

حکم دادگاه خارجی، دادگاه در ارتباط با موضوع که تقاضای اجرای رأی صادره از دادگاه امارات بوده است با چندین استدلال و از جمله اینکه: اولاً: به موجب مواد موافقت نامه معاضدت حقوقی و قضایی در موضوعات مدنی و تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی، ذینفع می‌تواند تقاضای شناسایی یا اجرای احکام خارجی را از دادگاه ذیصلاح طرف دیگر درخواست کند. ثانیاً: بر اساس ماده ۲۲ مفاد موافقت نامه فوق، مقام قضایی ذیصلاح طرف درخواست شونده برای شناسایی و اجرای حکم بدون بررسی ماهیت دعوی، خود را محدود به بررسی انطباق حکم با شرایط مندرج در موافقت نامه خواهد نمود. ثالثاً: تمامی شرایط پیش بینی شده در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی و مقررات پیش بینی شده در قانون موافقت نامه مورد اشاره در ارتباط یا حکم صادره خارجی رعایت شده است. رابعاً: دادگاه غیابی بودن رأی صادره در امارات متحده عربی را به دلیل حضور محکوم علیه در مراحل بالاتر دادرسی در کشور امارات منتفی دانسته است. خامساً: ایردا وارده از سوی خواننده مبنی بر ذینفع نبودن خواهان، با توجه به اینکه چک موضوع دعوی توسط خواننده در وجه خواهان صادر شده است، منتفی می‌باشد و در نهایت دادگاه ایران، قرار قبول تقاضا و لازم الاجرا بودن حکم صادره در کشور امارات را صادر کرده است.

همچنین در رای دیگر شعبه چهل و هشتم دادگاه عمومی حقوقی تهران در پرونده شرکت فلمارالملاحه و الحشن به طرفیت وسایل نقلیه دریایی کشتی دانیال ۱۱۰، درخواست شناسایی و اجرای احکام شماره‌های ۲۰۱۲-۹۱۵ و ۲۰۱۶-۲۰ صادر شده از دادگاه فدرال شارجه کشور امارات متحده عربی را دارند که به موجب رای دادگاه فدرال شارجه، خواننده مکلف و مدیون شرکت مذکور است و علیرغم گذشت زمان و صدور رای و پیگیری عملیات اداری، تاکنون بدهی پرداخت نشده است. و تعهدات انجام نشده است که بخشی از آن به دلیل تابعیت و سکونت شاکیان در کشور است. توافق بین کشور ایران و امارات، اجرای تصمیم را در

عمومی باشد و رأی صادره از دادگاه داگلاس (آمریکا) نباید باشد. از این طبیعت باشد خلاف نظم عمومی یا اخلاق ایران است.

رابعاً: در حالی که وکیل تجدیدنظرخواه (همسر وی) باید به استناد ماده ۱۵ قانون حمایت از خانواده ایران تقاضای اجرای طلاق می‌کرد، هر چند در دادخواست درخواست تأیید صیغه طلاق را بیان کرده بود، در نتیجه دادخواست و دریافت اظهارات از وکیل زن، در واقع آرزوی واقعی زن اقامت در آن کشور بوده است، چنین برداشت می‌شود که اجرای حکم طلاق است که پس از جدایی موکل از همسرش به وجود آمده است. زیرا پس از تقدیم دادخواست طلاق، طبق قوانین ایالت کلرادو، شوهر حق ندارد بیش از ۳۰۰ متر به شاکی (همسر) نزدیک شود که این امر نشان دهنده جدایی طرفین و عملاً پایان یافتن رابطه زناشویی است. در آن کشور منحل شد.

پنجم: یکی از اصول مهم حقوق بین الملل عمومی و خصوصی «حق مکتسب» است، زیرا تصمیم دادگاه خارجی به این معناست که دادگاه خارجی برای شخصی حقی ایجاد کرده و در نتیجه محترم و ضروری است. همچنین بر اساس اصل آزادی اراده در کشورهای دیگری که تجدیدنظرخواه ذینفع است اعمال می‌شود. همچنین به موجب دادنامه شماره ۸۳۹ مورخه ۸۶/۹/۶ صادره از شعبه بیست و هفتم دادگاه عمومی حقوقی تهران، درخواست خواهان برای تنفیذ و اجرای رأی صادره از دادگاه آوگسبورگ آلمان به شماره ۳۰۴/۳۹۱/۰۵ که موضوع آن روابط مالی طرفین است به استناد اینکه رأی صادره تمامی اوصاف مذکور در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام کیفری را دارد و منافاتی هم با نظم عمومی و اخلاق حسنه کشور ایران ندارد، ضمن تنفیذ رأی مذکور، دستور اجرای مفاد رأی از طریق صدور اجرائیه و ابلاغ به محکوم علیه را صادر کرده است. در رای دیگری به موجب دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۸۰۲۲۷۲۰۰۴۷۷ صادره از شعبه دوازدهم دادگاه عمومی حقوقی تهران با خواسته اجرای

مبادرت ورزید.<sup>۲</sup> رأی مذکور به تأیید شعبه سوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز رسیده است. نکته مهم در تصمیم گیری توجه قاضی به نظم جدید بین المللی است که در واقع تفسیر مضیق از نظم عمومی است. دیدگاهی که در حقوق بین الملل خصوصی پذیرفته شده و اجرای تصمیمات خارجی را تسهیل می کند

در مقابل در رویه قضایی انگلیس اثر خفیف نظم عمومی در تأثیر بین المللی حق مشهود است. برای مثال در دعوی دولت انگلستان علیه تیلور<sup>۳</sup> موضوع نظم عمومی مطرح شد که اجرای احکامی که ماهیت کیفری، جرمه یا درآمدی دارند با نظم عمومی انگلستان مغایرت دارد. در این پرونده، ادعای دولت هند علیه یک شرکت انگلیسی، مبنی بر پرداخت مالیات بر درآمد، مورد پذیرش قرار نگرفت، زیرا ادعا مربوط به درآمد یک کشور خارجی بود. (بک حق خصوصی نبود). البته اگر پرونده دارای دو بخش باشد و یک بخش آن ادعای خصوصی باشد، می توان این بخش را پذیرفت.<sup>۴</sup>

در دعوی دیگر موسوم به «هتل شراتون علیه متل شراتون»<sup>۵</sup> خواهان، هتل شراتون، مالک چند هتل زنجیره‌ای در آمریکا و چند کشور دیگر بود اما هتلی در انگلستان نداشت. رزرو این هتلها معمولاً از کشور انگلستان از طریق اداره‌ای که از سوی خواهان در لندن اداره می‌شد یا آژانسهای مسافرتی انجام می‌شد. خواننده شرکتی در انگلستان بود که به دنبال ایجاد هتلی با نام متل شراتون بود.<sup>۶</sup> حقوق معنوی ایجاد شده برای خواهان نسبت به نام «شراتون» به واسطه رفتار خواننده در معرض ضایع شدن بود. شروع پروژه از سوی خواننده باعث ایجاد گمراهی میان عموم مردم شد، که آیا متل شراتون همان شعبه‌ای از هتل شراتون آمریکا می‌باشد یا خیر؟ خواهان دعوی «نقض حق»<sup>۷</sup> را در انگلستان مطرح کرد و خواهان

راستای اجرای تصمیمات نهایی از سوی ایران خواستار شد. استدلال دادگاه به شرح زیر است: "با توجه به محتویات پرونده و مذاقه در دلایل ابرازی و توجهاً به احکام قطعی صادره به شماره‌های مذکور و گواهی نماینده کنسولی ایران، چون برابر با مواد ۱۶۹ و ۱۷۴ قانون اجرای احکام مدنی در صورت وجود معاهده برابر با مفاد معاهده و لحاظ انطباق موضوع با قانون اجرای احکام مدنی، دادگاه مکلف به صدور دستور اجرای حکم می‌باشد و برابر با مدارک تقدیمی این احکام تا کنون اجرا نگردیده و با اعلام مراتب ضمن احترام به تئوری حق مکتسب مستنداً به مواد ۱۶۹-۱۷۴ از قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و ماده ۲۳ معاهده معاضدت قضایی تجاری و مدنی بین کشور ایران و امارات، چون دلیلی بر بی اعتباری دادنامه مزبور و مخالفت با قواعد مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه با لحاظ موضوع حکم وجود ندارد، ضمن پذیرش و قبول تقاضا و شناسایی رأی صار شده در دادگاه فدرال شارجه، دستور اجرای حکم صادره از این دادگاه را صادر و اعلام مینماید." در مثال دیگر شعبه بیست و هفتم دادگاه عمومی حقوقی تهران در دعوی شرکت آلمانی به طرفیت خواننده به خواسته اعلام بطلان قرارداد به دلیل مخالفت با قوانین آمره چنین استدلال نموده است: "طبق ماده ۹۶۸ قانون مدنی که به تعهدات ناشی از قراردادها تنظیم می‌کند و ربطی به توافق طرفین برای حل اختلاف ندارد، التزام به قوانین کشور نباید مغایر با نظم جدید بین المللی باشد و عقد مذکور عبارت بود از. با یک شهروند آلمانی منعقد شده و با وجود عنصر خارجی، یک پرونده بین المللی در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه دادگاه با استناد به ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۱۰ قانون مدنی، دعوی خواهان را در ایران قابل قبول نبوده و به رد این درخواست

<sup>4</sup> Raulin V. Fischer (1911) 2 K. B. 93.

<sup>5</sup> SHERATON CORPORATION OF AMERICA V. SHERATON MOTELS LTD

<sup>6</sup> Reports of Patent, Design and Trade Mark Cases, Volume 81, Issue 8, 25 June 1964, Pages 202-205, <https://doi.org/10.1093/rpc/81.8.202>

<sup>7</sup> Passing Off

<sup>۱</sup> پرونده کلاسه ۹۶/۳۹۶

<sup>۲</sup> پرونده کلاسه ۹۱/۲۴۸

<sup>3</sup> The Government of India V. Taylor (1955) A. C. 491.

مورد استناد قرار گرفته است. در دعوی اسکارپتا علیه لوفلد<sup>۴</sup> نیز به همین موارد اشاره شده بود.

## نتیجه

امروزه نظریه تأثیر بین المللی حق مورد پذیرش اغلب نظام های حقوقی است که براساس آن اگر حقی در زمینه حقوق خصوصی برای شخصی در کشوری ایجاد شود و بعداً در مرحله اجرای حق در کشور دیگری به این حق استناد شود، چنین حقی محترم شمرده شود. اما این نظریه نیز با برخی مانع-ها مثل مسئله نظم عمومی در نظام های حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته است. نظم عمومی در تعارض قوانین میتواند به عنوان یک دریچه اطمینان عمل کند و در جایی که قانون خارجی با معیارهای اخلاقی یا اصول اساسی دادگاه مقرر مغایرت دارد مانع اجرای قانون خارجی می شود. اما به هر حال تمهید استناد به نظم عمومی باید به شکل دفاعی و نه تهاجمی اعمال شود. بنابراین، در مواردی که قانون خارجی معتبر برای نظام حقوقی کشور قاضی غیرقابل قبول باشد، قاضی از اجرای آن قانون بر اساس سیاست عمومی خودداری خواهد کرد، حتی اگر هر دولتی اجرای قوانین خارجی را در کشور خود بپذیرد. تا حدی که با مبانی سازمان یا امنیت داخلی و احساسات وجدانی جامعه آن حکومت مغایرت نداشته باشد. با توجه به تعدیل مفهوم نظم عمومی در نظام حقوقی انگلیس، در استناد به نظم عمومی و احراز مغایرت قانون خارجی با ارزشهای مقرر دادگاه دو معیار جدی بودن نقض و میزان ارتباط با دادگاه را باید مورد توجه قرار داد. رویکرد انگلستان در خصوص اصل بودن تأثیر بین المللی حق که مانع از تفسیر وسیع نظم عمومی شده است، موجب توسعه تجارت و قطعاً افزایش مراوات تجاری آتی بین المللی خواهد شد.

با توجه به غامض و پیچیده بودن تعریف و تعیین مصادیق نظم عمومی، همچنین با عنایت به اینکه نظم عمومی مفهومی سرزمینی است و هر کشور در تعیین مصادیق آن دارای اختیار

صدور دستور موقت شد. دادگاه برای متوقف کردن نقض حق، یک دستور موقت صادر کرد. دادگاه ادعای خواننده را مبنی بر اینکه بین خدمات دو طرف همپوشانی وجود ندارد و استناد به نظم عمومی را رد کرد. در واقع در این پرونده موضوع تأثیرگذاری بین المللی حقی است که قبلاً به طور صحیح در کشور آمریکا ایجاد شده بود و دادگاه انگلیسی با پذیرش تقاضای خواهان، به حق ایجاد شده در کشور آمریکا، صحنه گذاشت.

در پرونده دیگری در رأی صادره از سوی دادگاه انگلستان در خصوص دعوی شرکت بوش علیه شرکت بودوار<sup>۱</sup>، با وجود تبلیغات و آگاهی مردم از علامت، به دلیل عمومیت نداشتن فروش و استفاده از علامت در انگلستان، علامت به عنوان علامت مشهور شناسایی نشد. در واقع تأثیر بین المللی حق منوط به این بود که حق مورد استنادی که همان «حسن نیت» است، باید به طور کامل ایجاد می شد تا در انگلستان بتواند مورد حمایت قرار گیرد. به عبارت دیگر با اثر خفیف دادن به نظم عمومی، اجرای حکم خارجی میسر گشت. در پرونده قدیمی<sup>۲</sup>، دادگاه حکمی صادر کرد که از اجرای حکم خارجی که هم بر خلاف قرارداد بود و هم از طریق کلاهبرداری در دادگاه خارجی به دست آمده است، جلوگیری کرد و آن را مغایر با نظم عمومی تلقی کرد.

در رویه قضایی انگلیس مغایرت حکم خارجی با عدالت طبیعی هم در راستای نظم عمومی بررسی می گردد. در پرونده جاکوبسون علیه فراکن<sup>۳</sup> و می تواند دفاعی برای خواننده باشد. در این پرونده قاضی آتکین به دو موضوع اشاره کرد. اول اینکه دادگاه صادرکننده حکم برای خواننده اخطار فرستاده باشد و دوم اینکه فرصت ارائه ادله و مدارک و دفاع را داده باشد و در غیر این صورت عدالت طبیعی دچار خدشه شده است. توضیحات قاضی آتکین هنوز هم در دفاع مبتنی بر عدالت طبیعی اساس رسیدگی های امروزی را در مورد اجرای حکم خارجی تشکیل می دهد و در دعوی متعددی

<sup>3</sup> Jacobson V. Frachon (1927), 138 L. T.386.

<sup>4</sup> Scarpetta V. Lowenfeld (1911), 27, P.L.R. 509.

<sup>1</sup> Busch v Budweiser

<sup>2</sup> Ellerman Lines Ltd v Read [1928] 2 KB 144

کامل است، چنین مفهومی ناگزیر از طریق رویه قضایی مشخص می‌گردد. در ارتباط با نقش سازنده رویه قضایی در مورد تأثیر بین‌المللی حکم، یک تفاوت اصلی و اساسی بین ایران و انگلستان مشاهده می‌گردد، در حالی که بخش مهمی از قواعد مرتبط با شناسایی و اجرای احکام خارجی در کامن‌لا، محصول مستقیم قانونگذار نبوده است و به موجب آرای قضایی ایجاد شده است، در ایران، رویه قضایی به هیچ عنوان چنین نقشی را نداشته است و نمودهای مرتبط با سازندگی رویه قضایی را کمتر شاهد هستیم. البته در برخی از آرای صادره به مفاهیمی چون حقوق مکتسبه اشاره شده است، لیکن در ایران، رویه قضایی بیشتر نقش انطباق با موازین قانونی را ایفا نموده است. البته همان آرای صادره نادر که در آنها به مفاهیم پایه‌های همچون نظم عمومی بین‌المللی و تأثیر بین‌المللی حق اشاره شده است، از نظر نگارنده، بسیار ارزشمند است و می‌تواند نقطه شروعی برای رویه قضایی در جهت ایفای نقش فعال تری در حوزه شناسایی و اجرای احکام خارجی باشد.



### منابع

- حیاتی، علی عباس، (۱۳۹۰) اجرای احکام مدنی در نظم حقوقی کنونی، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران،
- دانش پژوه، مصطفی، (۱۳۹۳)، تعارض قوانین در زمان در حقوق ملی و بین‌المللی در تفسیر شریف میزان، قرآن شناخت، بهار و تابستان ۱۳۹۳، شماره ۱۳،
- زارعی، محمد حسین و بهنیا، مسیح، (۱۳۹۳)، «اصل انتظار مشروع: مفهوم، مبانی و شیوه‌های حمایت در حقوق اداری»، تهران، خرسندی، چاپ اول،
- سلجوقی، محمود (۱۳۹۵)، حقوق بین الملل خصوصی، جلد ۲، تهران، نشر میزان،
- السنهوری، عبدالمجید الحکیم (۱۹۶۰)، الوسيط، الوجيز فی نظريه الالتزام،
- شریعت باقری، محمد جواد (۱۳۹۴)، موافقت‌نامه‌های همکاری حقوقی و قضایی میان ایران و دیگر دولتها، چاپ اول، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری،
- شریف زاده لاری، محمد (۱۳۸۴)، نظم عمومی در مرحله اجرای آرای داوری تجاری بین‌المللی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران،
- صادقی، محسن (۱۳۸۴)، مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه قضایی و جلوه‌های نوین آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۸، تابستان ۱۳۸۴
- صفایی، محمد حسین (۱۳۹۸)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: انتشارات میزان
- فلسفی، هدایت اله (۱۳۷۹)، حقوق بین الملل معاهدات، تهران، فرهنگ نشر نو،
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵)، مقدمه علم حقوق، تهران: انتشارات سهامی انتشار،
- ارفع نیا، بهشید، (۱۳۹۵)، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، جلد یکم،
- الهوتی نظری (۱۴۰۰). حقوق بین الملل خصوصی از منظر حقوق بین الملل عمومی، تهران: انتشارات مجد،
- ارکلیش ویلی، الکساندر (۱۳۸۴)، تاثیر قواعد آمره حقوق بین الملل بر تفسیر و اجرای قطع نامه‌های شورای امنیت، ترجمه سید قاسم زمانی، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۷،
- بذرپاچ، حمید و دیگران، (۱۴۰۰)، نقش نظم عمومی در اجرای احکام خارجی از نظر حقوق انگلیس و ایران، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۴۷،
- جابر جاد، عبدالرحمن، (۱۹۵۱)، قواعد تنازع القوانين: فی مشروع القانون المدني العراقي، القضاء تموز ۱۹۵۱، السنه التاسعة، العدد ۵،
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۰). مکتب های حقوق در اسلام، تهران: انتشارات گنج دانش
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۸)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش. چاپ هجدهم، تهران.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۰)، تأثیر اراده در حقوق مدنی، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تهران،
- حدادی؛ مهدی (۱۳۸۹)، مقایسه مفهوم و کاربرد نظم عمومی در نظام حقوق بین‌الملل بانظام‌های حقوقی ملی، فصلنامه حقوق خصوصی، ش ۱۶، تابستان ۱۳۸۹،
- حکیم، عبد الحمید (۱۹۶۰)، مصادر الالتزام، شركة الطبع و النشر الاهلیه، بغداد،

Mills, Alex (2018). Linkages and Boundaries in Private and Public International Law, Connecting Public and Private International Law, Forthcoming, Hart,

Mills(2006), The Dimensions of Public Policy in Private International Law, op. cit., pp. 201-202, Chong A. The Public Policy and Mandatory Rules of Third Countries in International Contracts, J Private International Law,

Mosconi, Franco, (1989), Exceptions to the Operation of choice of Law Rules, Recueil des cours Del academie.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، قواعد عمومی قراردادها، جلد یکم، چاپ نهم، تهران، انتشارات گنج دانش

الماسی، نجادعلی، (۱۴۰۰)، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ نوزدهم، تهران، نشر میزان.

الماسی، نجادعلی و عبدالرضا علیزاده و صالح کریمپور، (۱۳۹۵) نظم عمومی در رویکرد حقوقی، فقهی و شناختی، پژوهشهای فقهی، دوره ۱۲، شماره ۱،

گارنر، برایان (۱۳۸۴). دکشنری حقوقی بلک، تهران: نشر میزان

گرچی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۹۲). مبانی حقوق عمومی، تهران: انتشارات جنگل،

گرچی ازندریانی، علی اکبر، هدی مرتضوی (۱۳۹۷). مفهوم قدرت و نظم عمومی در اندیشه پسامدرن، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیستم، شماره ۵۹

نصیری، محمد، (۱۴۰۰)، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، آگاه، چاپ سی و نهم،

نظیف، مجتبی (۱۴۰۱). بایسته های حقوق بین الملل خصوصی، چاپ چهارم، تهران: نشر دادگستر،

Dicey and Morris, (1987), Conflict of Laws, Vol. 1, London: steven and son Ltd ,.

Ellito Catherine and Frances Quinn,(2000), English Legal System,3ed, London:Longman,

Ghong, A (2006), The public policy and mandatory rules of third countries in international contracts,Journal of Private international law, volume2.

Paulsen Monrad G. and Sovern Michael,(1956) Public Policy in the Conflict of laws, 56 Colum. L, REV,

Peters, B. G. (2021). Advanced introduction to public policy. Edward Elgar Publishing.